

سال بیست و چهارم / شماره ۵۶۲۹

خبر

عصبانیت شدید نویسنده «شرم»:

این سریال را نبینید، بی‌منطق و سخیف است

بخش فرهنگی – سعید فرهادی، فیلمنامه‌نویس «شرم»، از کیفیت پایین کارگردانی این سریال انتقاد کرد و از مخاطبان خواست که تماشای آن ننشینند. به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، سعید فرهادی، نویسنده سریال «شرم» که این روزها از شبکه سه سیما در حال پخش است، با انتقاد از کیفیت پایین اثر، متنی انتقادی را در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد. او در این پست نوشت:

«زدیک به سه سال، تمام وقت و انرژی و جسم و جانت را صرف تحقیقات بر روی جزئیات می‌کنی و بارها کلمه به کلمه فیلمنامه را محک می‌زنی تا از هر نظر مو لای درزش نرود و چیزی از منطق، جذابیت و اصول زیبایی شناختی کم نگذاشته باشی؛ تا سریالی بسازی در خور شأن و شعور مخاطب. اما ناگهان سروکله کارگردانی دست نشاندۀ پیدا می‌شود؛ مهم نیست چقدر کارنابلد و بی‌دغدغه، مهم این است که «خودی» باشد تا زورش به تمام اصول اخلاقی، حرفه‌ای و حقوقی بچرد!

می‌خواهی عطای کار را به لقایش ببیخی. به مدیران پیشنهاد می‌کنی چندرغاز پیش قسطی که دو سال پیش برای شروع کار گرفته‌ای را با تمام بهره‌هایش بازپس دهی تا دست از سر فیلمنامه‌ات بردارند. اما گویا لقمه چرب و نرمی گیر آورده‌اند و حسایی هم دندانشان را تیز کرده‌اند. نام سریالت را به «شرم» تغییر می‌دهند و تولید را شروع می‌کنند. هشت ماه در بی‌خبری مطلق به سر می‌بری؛ حتی نه یک پیامک ساده از میان چهل پنجاه نفر عواملی که به به چه هچشان برای فیلمنامه منام به گوشت می‌رسد! شاید هم فکر می‌کنند بهتر است سر راه مالباخته آفتابی نشویم! ای کاش از نامی که بر سریال‌شان گذاشته‌اند، ذره‌ای در وجودشان یافت می‌شد.

بالاخره کار به موعد پخش می‌رسد و بار دیگر تجربه‌های تلخ پیشین تکرار می‌شود؛ این درد مشترک بسیاری از فیلمنامه‌نویسان، با سریالی مواجه می‌شوی که نه می‌شناسی‌اش از فرط تحریف و قلع و قمع و به بیراهه رفتن، نه حتی تحمل دیدنش را داری از فرط بی‌منطقی، بی‌هنری، سخیف بودن و کم فروشی که در لحظه لحظه‌اش موج می‌زند؛ از تولید و کارگردانی و بازیگری و فیلمبرداری بگیر تا موسیقی و طراحی صحنه و لباس. آیا تمام این عوامل افراد کارنابلدی هستند؟ بعید است چنین باشد، زیرا بارها آثار و نتایج قابل قبولی از برخی‌شان دیده‌ای؛ منتها نکته در اینجاست که آب از سرچشمه گل‌آلود است! چه بسیار منت‌های سربلندی که زیر چرخ دنده‌های این سیستم معیوب به آثاری سطح پایین و بی‌ارزش تبدیل شده‌اند. و چه دردناک است این جمله پر تکراری که از دهان‌شان شنیده می‌شود: «مردم این چیزها را نمی‌فهمند!»

منطق‌ها و الزامات اولیه دراماتیک که در کلاس‌های مقدماتی این رشته تدریس می‌شوند، پیشکش؛ چیزهایی در کار می‌بینی که از بدیهیات زندگی واقعی و روزمره هم فرسنگ‌ها فاصله دارد و حتی کودکان نابالغ را به شگفت می‌آورد. جوابی برای سوالات مخاطبان که سردرگم مانده‌اند بر سر فهم تناقضات و ایرادات کار نداری زیرا می‌دانی توضیح وقایعی که رخ داده، برایشان بیشتر شبیه فراقته‌کی به نظر می‌رسد و شانه خالی کردن از زهد بار مسئولیت؛ مگر از مردمی که مدت‌هاست اعتمادشان پایمال شده و به هر توضیحی بدگمان‌اند، انتظاری غیر از این می‌توان داشت؟

دیگران احتمال ویران شدن آینده کاری‌ات را، به محاق رفتن طلب‌هایت از صداسویما را، و هجمه دروغ‌ها، افتراها و تخطئه‌هایی که به سویت روانه خواهند کرد، را و البته تلخ‌تر از همه، شنیده نشدن در این بلبشوی رسانه‌ای و خبری را به یادت می‌آورند. اما آینده و سرمایه زندگی تو را هنر و قلمت تضمین می‌کند، نه باج دهی به بی‌هنرا! با قاطعیت درخواست می‌کنی نامت به عنوان نویسنده از تیتراژ سریال حذف شود تا لاقل مهر تاییدی بر این محصول ناسالم نباشی و در صف آنان که منتقدشان هستی قرار نگیری. ولی باز هم اعتنایی نمی‌شود. پس تنها کاری که می‌توانی بکنی این است از محتوایی که در حال پخش است تبری بجویی و به هرکه صدایت را می‌شنود توصیه کنی اگر برای فهم و شعور خود و اطرافیانش احترام قابل است، پای تماشای چنین آثار پایمال شده‌ای ننشیند.»

«شرم» به کارگردانی احمد کاوروی و بازی اوبالفضل پورعرب، اردلان شجاع‌کاو، زنده‌یاد سیروس گرجستانی، فاطمه گودرزی، فریبا متخصص و ... در حال پخش از شبکه سه است.

.....

●●●●●

«راستی چرا؟» در کتابفروشی‌ها

بخش فرهنگی – کتاب «راستی چرا؟» نوشته جی اینگرام با ترجمه رضا اسکندری‌آذر منتشر شد. این کتاب با عنوان فرعی «پاسخ به سوآلاتی درباره جهان پیرامون ما» در چهار بخش: بدن، قلمرو حیوانات، ماوراءالطبیعه و عالم طبیعت و در ۲۴۰ صفحه با قیمت ۴۵هزار تومان توسط نشر خوزه منتشر شده است.

در معرفی کتاب «راستی چرا؟» توسط ناشر عنوان شده است: جی اینگرام در هر یک از بخش‌های یادشده سوآلاتی را طرح می‌کند و بعد با زبانی ساده و طنزآزانه و البته علمی به آن‌ها پاسخ می‌دهد. به عنوان نمونه در بخش اول این پرسش‌ها مطرح شده است: چرا پیاز اشک آدم را درمی‌آورد؟، آیا ما همه زن نماندنتال‌ها را در وجود خود داریم؟، چرا گاهی کلمه‌ای سر زبانم است، اما به یادش نمی‌آورم؟، چرا خمیازه مسری است؟، آیا نیوتون واقعا به واسطه افتادن سیب روی سرش قانون جاذبه را کشف کرد؟ و ...

در بخش قلمرو حیوانات هم این سوآلات و پاسخ‌های‌شان را می‌بینیم: آیا گرگ‌ها ما را دوست دارند یا فقط تحمل‌مان می‌کنند؟، آیا سگ‌ها واقعا بیعتن دوست انسان هستند؟، چه چیزی پشه‌ها را به من جذب می‌کند؟، چرا مارمولک‌ها دم‌شان را از دست می‌دهند؟ چرا دست‌های تیرانوزوروس رگس این‌قدر کوتاه بودند؟ و بخش سوم کتاب نیز شامل پرسش و پاسخ‌هایی از این قبیل است: آیا ما خواب را رنگی می‌بینیم؟، آیا واقعا می‌توانیم تشخیص دهیم چه وقت کسی به ما خیره شده، آیا پاکتدۀ وجود دارد؟، آیا آلفریدیس واقعا کشتی‌های رومیان را با استفاده از نور خورشید به آتش کشید؟ و ...

در بخش پایانی کتاب «راستی چرا؟» جی اینگرام، نویسنده و پژوهشگر سرشناس کانادایی، به طرح این سوآلات و پاسخ به آن‌ها پرداخته است: چرا با بالا رفتن سن، زمان سریع‌تر می‌گذرد؟، آیا دنیاى ما واقعا دنیای کوچکی است؟، چرا برگ‌ها در پاییز تغییر رنگ می‌دهند؟، دیوار صوتی چیست و چگونه می‌تواند آن را بشکند؟، یک برگه کاغذ را چند مرتبه می‌چینیم تا زد؟، آیا گالیله واقعا گلوله‌ها را از بالای برج پیزا انداخت؟ و این کتاب سومین همکاری مشترک رضا اسکندری آذر و نشر خوزه است. این مترجم و ناشر، پیش‌تر کتاب‌های «تاریخچه‌ی همه چیز» (امیلی پروکوپ) و «هنر آرامش» (پیکو آیر) را منتشر کرده‌اند.

{فرهنگ و هنر }

گزارشی از فروش ۲۶ فیلم اکران آنلاین

حاتمی کیا اول شروع کرد اما سوم شد

فیلم سینمایی خروج ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا که با بلیت ۱۲ هزار تومان آنلاین اکران شد نیز در نهایت توانست ۱۵۴۸۲۰ بلیت آنلاین بفروشد که در مجموع فروش خود را به یک میلیارد و ۸۵۷ میلیون و ۸۴۰ هزار تومان رساند.

از آغاز شیوع کرونا در ایران و با تعطیلی سینماها، بسیاری به اکران آنلاین چشم بستند و در این ۸ ماه که از آغاز نخستین فیلم اکران آنلاین می‌گذرد ۲۶ فیلم به نمایش درآمده‌اند که برخی با استقبال و فروش خوب تنها آنلاین نمایش داده شدند که می‌توان به فیلم‌هایی چون کشتارگاه، هفت و نیم، ایستگاه اتمسفر و تیغ و ترمه اشاره کرد.

اما از میان این فیلم‌های هم ابتدا در سینماها و بعد به صورت آنلاین نمایش داده شدند که خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری، زیر نظر و زن‌ها فرشته‌اند ۲ از جمله این آثار هستند.

نکته قابل تأمل درباره قیمت بلیت فیلم‌های اکران آنلاین اینکه با ۱۲ هزار تومان و نمایش فیلم خروج این گونه جدید سینمایی نمایش خود را آغاز کرد اما با نمایش فیلم طلا قیمت بلیت به ۱۵ هزار تومان و از آغاز نمایش فیلم سوم اکران آنلاین یعنی خوب، بد، جلف ۲ قیمت بلیت‌ها به صورت ثابت ۲۰ هزار تومان باقی ماند.

خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری که بخش دوم فیلم سینمایی خوب، بد، جلف بود در صدر پرفروش‌های اکران آنلاین قرار گرفت تا در این بخش هم باز یک فیلم کم‌دی صدر نشین باشد. این فیلم در مجموع یک ماه اکران آنلاین ۲۱۲،۵۷۸ بلیت به مبلغ ۲۰ هزار تومان فروخته که در مجموع به فروش ۴ میلیارد و ۲۵۱ میلیون و ۵۶۰ هزار تومان رسیده است.

این فیلم با بازی پژمان جمشیدی، سام درخشانی، حامد کمیلی، ریحانه پارسا، گوهر خیراندیش، فرهاد آنیش، مارال فرجاد، ستاره پسیانی و علی اوجی درباره گروهی ضد انقلابی است. ریاست این گروه برعهده دکتر مدنی (فرهاد آیش) و زیر نظر دونالد ترامپ مأموریتی به فرید (حامد کمیلی) در ایران به

عنوان گروه فیلمبرداری به ایران بفرستد. در آنجا پژمان جمشیدی و سام درخشانی به عنوان بازیگرهای فیلم ارتش سری انتخاب می‌شوند. فرید سعی در انجام عملیات است اما پژمان و سام تقریبا همه چی را به هم می‌ریزند و...

زیرنظر دیگر فیلم کم‌دی به کارگردانی مجید صالحی دومین فیلم پرفروش اکران آنلاین است که پس از ۲ ماه نمایش در سینماهای کشور اکران آنلاین خود را آغاز کرد و با فروش ۱۴۳،۷۲۹ بلیت به مبلغ ۲۰ هزار تومان در مجموع به فروش ۲ میلیارد و ۸۷۴ میلیون و ۵۸۰ هزار تومان رسید و در جایگاه دوم این گونه اکران رسید. رضا طهاران، امیر جعفری، آزاده صمدی، مه‌ران احمدی، رضا پرستش، سروش جمشیدی، علیرضا استادی، امیر نوری، سیاوش مفیدی، سیدعلی صالحی، مصطفی راد، عباس جمشیدی فر و سامیه لک بازیگران این فیلم سینمایی هستند

که در خلاصه داستان آن آمده است: خانم‌ها! آقایان! مراقب باشید؛ همه جا «زیر نظر» است!

.....

●●●●●

بخش فرهنگی – محمدباقر رضایی – نویسنده – طنزی

آهنگین را برای بهروز رضوی نوشته و به این بهانه به شرح احوالات این گوینده قدیمی که در این متن او را «اوستاد بهروز رضوی» خطاب قرار می دهد، پرداخته است.

به گزارش ایسنا، رضایی و رضوی این روزها برنامه «کتاب شب» رادیو را با همکاری جمعی دیگر از اهالی صدا روی آنتن می فرستند و این برنامه قدیمی سالهاست که با موضوع بازخوانی آثار مشهور ایران و جهان هر هفته روی آنتن رادیو تهران می رود.

.....

●●●●●

نوشته رضایی به شرح زیر است:

«ان عاشق داستان و رمان.

آن راوی «کتاب شب» رادیوی تهران.

آن مرد با حال.

آن رها شده از قیل و قال.

آن داغ برادر دیده.

آن با حسین منزوی پریده و

از غم روزگار رهیده.

آن ماشاات کن با آدم های (حتی) عوضی،

اوستاد بهروز رضوی،

از شمایخ صدا بود و صاحب ردا بود.

تاریخ ادبیات ایران را در «هزاره ادب» روایت می کرد و

رادیوی فرهنگ را ستونی بود.

نقل است که همه وادی ها را

درنوردیده بود و همه فن حریف بود.

هم نویسنده بود، هم شاعر،

هم خواننده، هم نوازنده،

هم بازیگر، هم مجری،

هم گوینده. (ماشالله)

و از این رو بد که بزاند طایفه صدا بود.

متن را بی درنگ بر دستان خود می گرفت و در حال، می خواند.

و کم روی می داد که تیغ بزند و غلط بخواند.

و این از سواد وی بود.

در همین باب، روایت کنند که وقتی، در حجره ای که درس می فرمود،

مردی انگشت اجازت بالا بگرفت و پرسید: چه کنم که دیده شوم اوستاد؟

فرمود: خود را حذف کن تا دیده شوی!

پرسید: این چگونه باشد؟

فرمود: سواد بیاموز!

این سخن بر آن مرید چندان گران آمد که فی الفور روی از اوستاد بتافت و سوی کار خود برفت، از آن روی که معنی

.....

●●●●●

سه شنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۹

سوم شد اما سوم شد

فیلم سینمایی خروج ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا که با بلیت ۱۲ هزار تومان آنلاین اکران شد نیز در نهایت توانست ۱۵۴۸۲۰ بلیت آنلاین بفروشد که در مجموع فروش خود را به یک میلیارد و ۸۵۷ میلیون و ۸۴۰ هزار تومان رساند.

از آغاز شیوع کرونا در ایران و با تعطیلی سینماها، بسیاری به اکران آنلاین چشم بستند و در این ۸ ماه که از آغاز نخستین فیلم اکران آنلاین می‌گذرد ۲۶ فیلم به نمایش درآمده‌اند که برخی با استقبال و فروش خوب تنها آنلاین نمایش داده شدند که می‌توان به فیلم‌هایی چون کشتارگاه، هفت و نیم، ایستگاه اتمسفر و تیغ و ترمه اشاره کرد.

اما از میان این فیلم‌های هم ابتدا در سینماها و بعد به صورت آنلاین نمایش داده شدند که خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری، زیر نظر و زن‌ها فرشته‌اند ۲ از جمله این آثار هستند.

نکته قابل تأمل درباره قیمت بلیت فیلم‌های اکران آنلاین اینکه با ۱۲ هزار تومان و نمایش فیلم خروج این گونه جدید سینمایی نمایش خود را آغاز کرد اما با نمایش فیلم طلا قیمت بلیت به ۱۵ هزار تومان و از آغاز نمایش فیلم سوم اکران آنلاین یعنی خوب، بد، جلف ۲ قیمت بلیت‌ها به صورت ثابت ۲۰ هزار تومان باقی ماند.

خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری که بخش دوم فیلم سینمایی خوب، بد، جلف بود در صدر پرفروش‌های اکران آنلاین قرار گرفت تا در این بخش هم باز یک فیلم کم‌دی صدر نشین باشد. این فیلم در مجموع یک ماه اکران آنلاین ۲۱۲،۵۷۸ بلیت به مبلغ ۲۰ هزار تومان فروخته که در مجموع به فروش ۴ میلیارد و ۲۵۱ میلیون و ۵۶۰ هزار تومان رسیده است.

این فیلم با بازی پژمان جمشیدی، سام درخشانی، حامد کمیلی، ریحانه پارسا، گوهر خیراندیش، فرهاد آنیش، مارال فرجاد، ستاره پسیانی و علی اوجی درباره گروهی ضد انقلابی است. ریاست این گروه برعهده دکتر مدنی (فرهاد آیش) و زیر نظر دونالد ترامپ مأموریتی به فرید (حامد کمیلی) در ایران به عنوان گروه فیلمبرداری به ایران بفرستد. در آنجا پژمان جمشیدی و سام درخشانی به عنوان بازیگرهای فیلم ارتش سری انتخاب می‌شوند. فرید سعی در انجام عملیات است اما پژمان و سام تقریبا همه چی را به هم می‌ریزند و...

زیرنظر دیگر فیلم کم‌دی به کارگردانی مجید صالحی دومین فیلم پرفروش اکران آنلاین است که پس از ۲ ماه نمایش در سینماهای کشور اکران آنلاین خود را آغاز کرد و با فروش ۱۴۳،۷۲۹ بلیت به مبلغ ۲۰ هزار تومان در مجموع به فروش ۲ میلیارد و ۸۷۴ میلیون و ۵۸۰ هزار تومان رسید و در جایگاه دوم این گونه اکران رسید. رضا طهاران، امیر جعفری، آزاده صمدی، مه‌ران احمدی، رضا پرستش، سروش جمشیدی، علیرضا استادی، امیر نوری، سیاوش مفیدی، سیدعلی صالحی، مصطفی راد، عباس جمشیدی فر و سامیه لک بازیگران این فیلم سینمایی هستند

که در خلاصه داستان آن آمده است: خانم‌ها! آقایان! مراقب باشید؛ همه جا «زیر نظر» است!

.....

●●●●●

بخش فرهنگی – سعید فرهادی، فیلمنامه‌نویس «شرم»، از کیفیت پایین کارگردانی این سریال انتقاد کرد و از مخاطبان خواست که تماشای آن ننشینند. به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، سعید فرهادی، نویسنده سریال «شرم» که این روزها از شبکه سه سیما در حال پخش است، با انتقاد از کیفیت پایین اثر، متنی انتقادی را در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد. او در این پست نوشت:

«زدیک به سه سال، تمام وقت و انرژی و جسم و جانت را صرف تحقیقات بر روی جزئیات می‌کنی و بارها کلمه به کلمه فیلمنامه را محک می‌زنی تا از هر نظر مو لای درزش نرود و چیزی از منطق، جذابیت و اصول زیبایی شناختی کم نگذاشته باشی؛ تا سریالی بسازی در خور شأن و شعور مخاطب. اما ناگهان سروکله کارگردانی دست نشاندۀ پیدا می‌شود؛ مهم نیست چقدر کارنابلد و بی‌دغدغه، مهم این است که «خودی» باشد تا زورش به تمام اصول اخلاقی، حرفه‌ای و حقوقی بچرد!

می‌خواهی عطای کار را به لقایش ببیخی. به مدیران پیشنهاد می‌کنی چندرغاز پیش قسطی که دو سال پیش برای شروع کار گرفته‌ای را با تمام بهره‌هایش بازپس دهی تا دست از سر فیلمنامه‌ات بردارند. اما گویا لقمه چرب و نرمی گیر آورده‌اند و حسایی هم دندانشان را تیز کرده‌اند. نام سریالت را به «شرم» تغییر می‌دهند و تولید را شروع می‌کنند. هشت ماه در بی‌خبری مطلق به سر می‌بری؛ حتی نه یک پیامک ساده از میان چهل پنجاه نفر عواملی که به به چه هچشان برای فیلمنامه منام به گوشت می‌رسد! شاید هم فکر می‌کنند بهتر است سر راه مالباخته آفتابی نشویم! ای کاش از نامی که بر سریال‌شان گذاشته‌اند، ذره‌ای در وجودشان یافت می‌شد.

بالاخره کار به موعد پخش می‌رسد و بار دیگر تجربه‌های تلخ پیشین تکرار می‌شود؛ این درد مشترک بسیاری از فیلمنامه‌نویسان، با سریالی مواجه می‌شوی که نه می‌شناسی‌اش از فرط تحریف و قلع و قمع و به بیراهه رفتن، نه حتی تحمل دیدنش را داری از فرط بی‌منطقی، بی‌هنری، سخیف بودن و کم فروشی که در لحظه لحظه‌اش موج می‌زند؛ از تولید و کارگردانی و بازیگری و فیلمبرداری بگیر تا موسیقی و طراحی صحنه و لباس. آیا تمام این عوامل افراد کارنابلدی هستند؟ بعید است چنین باشد، زیرا بارها آثار و نتایج قابل قبولی از برخی‌شان دیده‌ای؛ منتها نکته در اینجاست که آب از سرچشمه گل‌آلود است! چه بسیار منت‌های سربلندی که زیر چرخ دنده‌های این سیستم معیوب به آثاری سطح پایین و بی‌ارزش تبدیل شده‌اند. و چه دردناک است این جمله پر تکراری که از دهان‌شان شنیده می‌شود: «مردم این چیزها را نمی‌فهمند!»

منطق‌ها و الزامات اولیه دراماتیک که در کلاس‌های مقدماتی این رشته تدریس می‌شوند، پیشکش؛ چیزهایی در کار می‌بینی که از بدیهیات زندگی واقعی و روزمره هم فرسنگ‌ها فاصله دارد و حتی کودکان نابالغ را به شگفت می‌آورد. جوابی برای سوالات مخاطبان که سردرگم مانده‌اند بر سر فهم تناقضات و ایرادات کار نداری زیرا می‌دانی توضیح وقایعی که رخ داده، برایشان بیشتر شبیه فراقته‌کی به نظر می‌رسد و شانه خالی کردن از زهد بار مسئولیت؛ مگر از مردمی که مدت‌هاست اعتمادشان پایمال شده و به هر توضیحی بدگمان‌اند، انتظاری غیر از این می‌توان داشت؟

دیگران احتمال ویران شدن آینده کاری‌ات را، به محاق رفتن طلب‌هایت از صداسویما را، و هجمه دروغ‌ها، افتراها و تخطئه‌هایی که به سویت روانه خواهند کرد، را و البته تلخ‌تر از همه، شنیده نشدن در این بلبشوی رسانه‌ای و خبری را به یادت می‌آورند. اما آینده و سرمایه زندگی تو را هنر و قلمت تضمین می‌کند، نه باج دهی به بی‌هنرا! با قاطعیت درخواست می‌کنی نامت به عنوان نویسنده از تیتراژ سریال حذف شود تا لاقل مهر تاییدی بر این محصول ناسالم نباشی و در صف آنان که منتقدشان هستی قرار نگیری. ولی باز هم اعتنایی نمی‌شود. پس تنها کاری که می‌توانی بکنی این است از محتوایی که در حال پخش است تبری بجویی و به هرکه صدایت را می‌شنود توصیه کنی اگر برای فهم و شعور خود و اطرافیانش احترام قابل است، پای تماشای چنین آثار پایمال شده‌ای ننشیند.»

«شرم» به کارگردانی احمد کاوروی و بازی اوبالفضل پورعرب، اردلان شجاع‌کاو، زنده‌یاد سیروس گرجستانی، فاطمه گودرزی، فریبا متخصص و ... در حال پخش از شبکه سه است.

.....

●●●●●

بخش فرهنگی – بررسی میزان فروش فیلم‌های اکران آنلاین نشان می‌دهد که این شیوه اکران با فیلم «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا شروع شد که حالا در میان پرفروش‌های این بخش در جایگاه سوم قرار دارد.

از آغاز شیوع کرونا در ایران و با تعطیلی سینماها، بسیاری به اکران آنلاین چشم بستند و در این ۸ ماه که از آغاز نخستین فیلم اکران آنلاین می‌گذرد ۲۶ فیلم به نمایش درآمده‌اند که برخی با استقبال و فروش خوب تنها آنلاین نمایش داده شدند که می‌توان به فیلم‌هایی چون کشتارگاه، هفت و نیم، ایستگاه اتمسفر و تیغ و ترمه اشاره کرد.

اما از میان این فیلم‌های هم ابتدا در سینماها و بعد به صورت آنلاین نمایش داده شدند که خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری، زیر نظر و زن‌ها فرشته‌اند ۲ از جمله این آثار هستند.

نکته قابل تأمل درباره قیمت بلیت فیلم‌های اکران آنلاین اینکه با ۱۲ هزار تومان و نمایش فیلم خروج این گونه جدید سینمایی نمایش خود را آغاز کرد اما با نمایش فیلم طلا قیمت بلیت به ۱۵ هزار تومان و از آغاز نمایش فیلم سوم اکران آنلاین یعنی خوب، بد، جلف ۲ قیمت بلیت‌ها به صورت ثابت ۲۰ هزار تومان باقی ماند.

خوب، بد، جلف ۲: ارتش سری که بخش دوم فیلم سینمایی خوب، بد، جلف بود در صدر پرفروش‌های اکران آنلاین قرار گرفت تا در این بخش هم باز یک فیلم کم‌دی صدر نشین باشد. این فیلم در مجموع یک ماه اکران آنلاین ۲۱۲،۵۷۸ بلیت به مبلغ ۲۰ هزار تومان فروخته که در مجموع به فروش ۴ میلیارد و ۲۵۱ میلیون و ۵۶۷ هزار تومان رسیده است.

این فیلم با بازی پژمان جمشیدی، سام درخشانی، حامد کمیلی، ریحانه پارسا، گوهر خیراندیش، فرهاد آنیش، مارال فرجاد، ستاره پسیانی و علی اوجی درباره گروهی ضد انقلابی است. ریاست این گروه برعهده دکتر مدنی (فرهاد آیش) و زیر نظر دونالد ترامپ مأموریتی به فرید (حامد کمیلی) در ایران به عنوان گروه فیلمبرداری به ایران بفرستد. در آنجا پژمان جمشیدی و سام درخشانی به عنوان بازیگرهای فیلم ارتش سری انتخاب می‌شوند. فرید سعی در انجام عملیات است اما پژمان و سام تقریبا همه چی را به هم می‌ریزند و...

زیرنظر دیگر فیلم کم‌دی به کارگردانی مجید صالحی دومین فیلم پرفروش اکران آنلاین است که پس از ۲ ماه نمایش در سینماهای کشور اکران آنلاین خود را آغاز کرد و با فروش ۱۴۳،۷۲۹ بلیت به مبلغ ۲۰ هزار تومان در مجموع به فروش ۲ میلیارد و ۸۷۴ میلیون و ۵۸۰ هزار تومان رسید و در جایگاه دوم این گونه اکران رسید. رضا طهاران، امیر جعفری، آزاده صمدی، مه‌ران احمدی، رضا پرستش، سروش جمشیدی، علیرضا استادی، امیر نوری، سیاوش مفیدی، سیدعلی صالحی، مصطفی راد، عباس جمشیدی فر و سامیه لک بازیگران این فیلم سینمایی هستند

که در خلاصه داستان آن آمده است: خانم‌ها! آقایان! مراقب باشید؛ همه جا «زیر نظر» است!

.....

●●●●●

بخش فرهنگی – محمدباقر رضایی – نویسنده – طنزی آهنگین را برای بهروز رضوی نوشته و به این بهانه به شرح احوالات این گوینده قدیمی که در این متن او را «اوستاد بهروز رضوی» خطاب قرار می دهد، پرداخته است.

به گزارش ایسنا، رضایی و رضوی این روزها برنامه «کتاب شب» رادیو را با همکاری جمعی دیگر از اهالی صدا روی آنتن می فرستند و این برنامه قدیمی سالهاست که با موضوع بازخوانی آثار مشهور ایران و جهان هر هفته روی آنتن رادیو تهران می رود.

نوشته رضایی به شرح زیر است:

«ان عاشق داستان و رمان. آن راوی «کتاب شب» رادیوی تهران. آن مرد با حال.

آن رها شده از قیل و قال.

آن داغ برادر دیده.

آن با حسین منزوی پریده و

از غم روزگار رهیده.

آن ماشاات کن با آدم های (حتی) عوضی،

اوستاد بهروز رضوی،

از شمایخ صدا بود و صاحب ردا بود.

تاریخ ادبیات ایران را در «هزاره ادب» روایت می کرد و

رادیوی فرهنگ را ستونی بود.

نقل است که همه وادی ها را

درنوردیده بود و همه فن حریف بود.

هم نویسنده بود، هم شاعر،

هم خواننده، هم نوازنده،

هم بازیگر، هم مجری،

هم گوینده. (ماشالله)

و از این رو بد که بزاند طایفه صدا بود.

متن را بی درنگ بر دستان خود می گرفت و در حال، می خواند.

و کم روی می داد که تیغ بزند و غلط بخواند.

و این از سواد وی بود.

در همین باب، روایت کنند که وقتی، در حجره ای که درس می فرمود،

مردی انگشت اجازت بالا بگرفت و پرسید: چه کنم که دیده شوم اوستاد؟

فرمود: خود را حذف کن تا دیده شوی!

پرسید: این چگونه باشد؟

فرمود: سواد بیاموز!

این سخن بر آن مرید چندان گران آمد که فی الفور روی از اوستاد بتافت و سوی کار خود برفت، از آن روی که معنی

طنزی برای بهروز رضوی

خود را حذف کن تا دیده شوی!

فرمایش وی ندانست و می انگاشت که سواد، از مادر او را زاده شده و نیازی نیست که مکرر بیاموزد.

و این از غرور وی بود.

اوستاد ما خود با آن که از سنین کودکی به مکتب می رفت و سواد وی

از آنجا بود، هنوز می فرمود که: نمی دانم!!! و به همین سبب بود که غالب اوقات، لب فرو می بست و سخنی

نمی فرمود.

ولی گاه که از دهان مبارک کلامی

خارج می کرد، باعث انبساط خاطر

یاران می گشت، از آن رو که طبعی به شیوه زندان داشت.

گویند اگر یاران را مکرر می دیدی،

ملاحظه می فرمودی و استمالتی می نمودی. خود نیز غالب اوقات، نوازش می دیدی و محظوظ می گردیدی.

چنان که روایت کنند از یکی جمله یاران وی میرزا رضای خضریایی (زنده عزه) که هر گاه پیش وی آمدی، اگر در کار

بغل کردن و فشردن وی نمی شدی، روزش